

عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث - فیض‌اله اکبری دستک
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۴ «ویژه زن و خانواده»، پاییز ۱۳۹۸، ص ۷۲-۸۸

عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث

فیض‌اله اکبری دستک*

چکیده: عفت به معنای تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل آدمی، از مهم‌ترین اصول و ارزش‌های اخلاقی در مکتب اسلام است. گرچه این مفهوم از سوی برخی به درستی فهم و هضم نشده و همواره آن را با مفهوم حجاب و پوشش (عفاف و حجاب) خلط نموده‌اند، خاستگاه عفت را باید در سه عنصر: عقلانیت، قناعت و غیرت جستجو نمود. بر همین مبنا، دامنه گسترده‌ای از شؤون حیات مادی و معنوی انسان‌ها همچون: عفت جنسی، عفت شکم، عفت چشم و عفت زبان را فرا می‌گیرد که آثار و کارکردهای آن در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: عفت؛ عقلانیت؛ سلامت؛ خاستگاه؛ ابعاد؛ آموزه‌های اسلامی.

۱. مقدمه و طرح مسأله

یکی از فضائل والای دینی و اسلامی، عفت است که با مفهوم عامّ خود در آموزه‌های قرآن و عترت مورد توجّه و تأکید فراوان قرار گرفته است.

متأسفانه از یک سو مفهوم دقیق، عمیق و وسیع عفت، به درستی فهم نمی‌شود و به محض ذکر آن، ذهن‌ها و فکرها به سوی حجاب و پوشش اسلامی رفته و به نوعی میان مفهوم عفت و حجاب اسلامی و انواع و مصادیق آن دو، به نوعی خلط می‌شود به گونه‌ای که همواره عفاف و حجاب را مترادف با یکدیگر و در یک راستا قرار می‌دهند. عده‌ای نیز عفت را صرفاً مخصوص بانوان دانسته، از حوزه تکالیف مردان جدا می‌انگارند. منشأ این انگاره نارسا را باید در تلقی نادرست و خلط مبحثی دانست که از سوی برخی درباره دو ارزش والای انسانی یعنی عفاف و حجاب پدیدار شده است، در حالی که عفت مفهومی عام‌تر نسبت به حجاب دارد چنانکه از لابه‌لای متون اسلامی استنباط می‌شود. مقاله حاضر می‌کوشد تا مفهوم‌شناسی دقیق عفت در آثار اندیشمندان اسلامی و خاستگاه عفت را تقریر کند تا در سایه شناخت درخورِ واژه عفت و منزلت شایسته و خاستگاه آن، گستره این خصلت ارزشمند را روشن سازد.

۲. مفهوم‌شناسی عفت

لغت‌شناسان در تعریف عفت چنین نوشته‌اند: «العفة: الكفّ عما لا یحلّ و لا یجمل» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۳/۹) عفت یعنی خویش‌داری از آنچه حلال و زینده نباشد. «و عفت عن المحارم والاطماع الدنیة» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۲/۱) یعنی فلانی از امور حرام و درخواست‌های بی‌ارزش دست کشید. برخی دیگر نیز عفت را حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی آن دانسته‌اند همان‌گونه که تقوا را به معنای حفظ نفس از محرّمات و آنچه موجب خلاف و گناه می‌شود، گرفته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۸۰/۸)

عفت در اصطلاح شریعت عبارت است از: پیدایش حالتی برای نفس که بدان سبب از غلبه شهوت امتناع می‌ورزد و شکم و دامن خویش را از خواسته‌های حرام بلکه مشتبّه و نیز از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و آمیزش‌های ناپسند و از مقدمات و لوازم آن‌ها نیز باز می‌دارد. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۳ش: ۱۳۵) نیز گفته‌اند عفت این است که قوه شهوت، مطیع و منقاد عقل باشد، در خوردن و نکاح و آمیزش، از حیث کم و کیف و از آنچه عقل باز می‌دارد اجتناب کند. این حد اعتدال است که در عقل و شرع پسندیده است. دو طرف افراط و تفریط آن ناپسند است که در همه اخلاق و احوال، حد وسط مطلوب است؛ زیرا که «خیر الأمور أوسطها». (نراقی، بی‌تا، ۲/۲۱)

گروهی از علمای علم اخلاق و لغت‌شناسان برای عفت قائل به مراتب و درجاتی شده‌اند و آن را متناسب با آن مرتبه و درجه تعریف می‌کنند و معتقدند که تمایلات نفسانی با توجه به اختلاف اشخاص و موارد آن تغییر می‌کند. مثلاً نوع تعفف و عفت فقیر در آیه «۲۷۳ سوره بقره»: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ... يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ...» بدین گونه است که عفت وی به وسیله قناعت کردن در آنچه برای او میسر است و حفظ کردن قلب از تمایلات و شهوات به گونه‌ای که خلافتی از او آشکار نگردد حاصل می‌شود؛ اما عفت در ثروتمند مطابق آیه «۶ سوره نساء»: «...وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ...» عبارت است از نگهداری نفس در مورد شهواتی که از آن امکان می‌یابد، نظیر گسترش مال و ثروت؛ لذا عفت در نکاح در آیه «۳۳ سوره نور»: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» عبارت است از: نگهداری نفس درباره شهواتش، به هر وسیله‌ای که امکان‌پذیر باشد از قبیل: روزه و انصراف و عبادت و یاد خدا و تفکر؛ عفت و تعفف در زنان پیر و سالخورده نیز در آیه «۶۰ سوره نور»: «... أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ...» عبارت است از: حفظ و نگهداری نفوس

درباره آنچه نفس‌های آنان، آن را آرزو می‌کند از قبیل خودآرایی و خودنمایی و آشکارکردن زینت و زیورآلات. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۸/۱۸۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۵/۱۰۲)

۳. اهمیت و منزلت عفت

آیات قرآن و روایات اسلامی، عفت را از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین فضائل انسانی و ارزش‌های اسلامی می‌داند، به گونه‌ای که بدون دارابودن آن نمی‌توان به قله‌های معرفت و کمالات دنیوی و اخروی نائل شد. عفت باید در تمام مراحل شئون و ابعاد زندگی فرد مسلمان حضور و ظهور داشته باشد تا به عنوان سد بزرگی در برابر خواهش‌های شیطانی و تمایلات نفسانی و سایر طمع‌کاری‌ها و آزمندی‌های مخالف با فطرت انسانی، قرار گیرد. اهمیت و منزلت بی‌نظیر این حقیقت ارزشمند اسلامی را می‌توان در لابه‌لای متون مقدس اسلامی به شرح ذیل مشاهده کرد.

۳-۱. عفت، شاخصه بارز اهل ایمان

قرآن کریم در ترسیم و تصویر سیمای روشن مؤمنان حقیقی و راستین، آنان را واجد اوصاف و ارزش‌های والای اخلاقی فراوانی از جمله فضیلت عفاف می‌داند که با عنصر ایمان و پارسایی آنان عجین شده است:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (المؤمنون/۵-۶)

قرآن کریم در بیان صفات برجسته مؤمنان، عفت را بعد از نماز و زکات و پرهیز از لغو مطرح کرده و حتی آن را بر مسأله امانت و پابندی به عهد و پیمان نیز مقدم داشته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، اخلاق در قرآن: ۲/۳۲۳)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در ضمن توصیه‌های خویش به محمدبن ابی‌بکر در هنگام ابلاغ حکم انتصاب وی به ولایت مصر چنین می‌فرماید: «ای محمدبن ابی‌بکر! بدان که برترین عفت، داشتن ورع در دین خداست و عمل کردن به دستورات او؛ و من

تو را سفارش می‌کنم که در کار نهان و آشکار و درون و برون، از خدا پروا داری». (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸)

بنابراین، ادعای ایمان به خدا و تقوای الهی بدون رعایت عفت، نوعی دروغ و فریفتن خویش است که با اصول توحید و معاد ارتباطی نخواهد داشت؛ همچنان که امام علی علیه السلام در توصیف سیمای حقیقی پارسایان در خطبه متقین، آنان را به رعایت عفت در روح و جانشان وصف می‌نماید: «حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، «نیازهایشان سبک است و جان‌هایشان عفیف و با مناعت.»

از همین‌رو، چنین انسان‌های پارسایی در پیشگاه خداوند، از محبوبیت و قرب والایی برخوردارند و همواره مورد لطف و محبت پروردگار خویشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین باره چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْمُتَعَفِّفَ وَ يُبْغِضُ الْبَذِيَّ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ش: ۳۸۲/۸): «خداوند شخص باحیای برخوردار از مناعت طبع را دوست می‌دارد و از سائل و قیح و سمج نفرت دارد.»

۲-۳. عفت، سرچشمه فضائل و کمالات انسانی

عفت سرچشمه و معدن تمام فضائل و خصلت‌های ارزشمند اسلامی و اخلاقی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَ يُنْزِعُهَا عَنِ الدُّنْيَا، عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ شَيْمِ الْأَشْرَافِ» (همان): «عفت، انسان را حفظ می‌کند و از زشتی‌ها بیرون می‌کشد. بر تو باد که عفت را پیشه خود سازی که این خوی، بهترین خصلت انسان‌های شرافتمند است.»

در حدیث دیگری می‌فرماید: «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ» (همان): «عفت در رأس همه خوبی‌هاست.» نیز می‌فرماید: «الْعِفَّةُ أَفْضَلُ الْفُتُوَّةِ» (همان): «عفت برترین جوانمردی است.»

۳-۳. عفت، والاترین عبادات و سرمایه انسانی

آموزه‌های اسلامی، از عفت به‌عنوان برترین و والاترین نوع عبادت فرد مؤمن یاد کرده و سرمایه عفت و پاکدامنی را ماندگارترین سرمایه انسان در دوران زندگی وی، برشمرده‌اند. امام حسین علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام چنین می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ» (نراقی، بی‌تا: ۲۲): «برترین عبادت، عفاف است.» در حدیثی دیگر، برترین عبادت‌ها را تنها در عفت می‌داند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ شَيْءٌ وَاحِدٌ وَهُوَ الْعَفَافُ» (احسان بخش، ۱۳۷۱ش: ۲۹۵/۳): انسان مسلمان برای آنکه وظیفه بندگی خویش و طریق عبادت پروردگار را به‌جای آورد، باید آن را در عفاف بیابد که فرموده‌اند: «أَزْيَنُ الشَّيْمِ الْحِلْمُ وَالْعَفَافُ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۱۸۳/۱): «آراسته‌ترین خصلت‌ها به‌کار بستن حلم و عفت است.»؛ «إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعِفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ وَ إِنَّهُمَا لَسَجِيَّةُ الْأَحْرَارِ وَ شِيْمَةُ الْأَنْبَرَارِ» (همان، ۲۴۵/۱): «به راستی که حیا و عفت از اخلاق اهل ایمان و آن دو، شیوه آزادگان و نیکان است.»

نیز، آن را خصلت هوشمندان و زیرکان بیان داشته است: «الْعِفَّةُ شِيْمَةُ الْأَكْيَاسِ سَيِّئَةُ الشَّدَّةِ الْأَرْجَاسِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۴۷۸/۲): «عفت، خوی زیرکان و طمع، خصلت پلیدان است.» نیز، آن را بهترین همنشین و علامت خردمندان و قناعت‌پیشگان می‌داند: «عَلَيْكَ بِالْعِفَّةِ فَإِنَّهَا نِعَمُ الْقَرِينِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۴۷۸/۲): «ملازم عفت باش که آن نیکو همدمی است.»؛ «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِالْعِفَّةِ وَالْقَنَاعَةِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۸۶۳/۲): «بر خردمندی آدمی بدین گونه پی‌برده می‌شود که خود را به زیور عفت و قناعت آراسته دارد.»

در تعالیم اسلامی، از عفت به‌عنوان زیور فقر مؤمن و برترین اعمال و بهترین نوع دخیره مسلمان یاد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «عفت، زیور و زینت تهیدستی است.» نیز می‌فرماید: «بر

شما باد که ملازم عفت و امانت‌داری باشید؛ زیرا که آن‌ها شریف‌ترین کارهای پنهانی شما و برترین اعمال آشکارتان و برترین پس‌اندازهایتان می‌باشد.» (احسان بخش، ۱۳۷۱ش: ۲۹۱/۳)

بنابر فرمایش امام علی علیه السلام، فرد تهیدست با ناداری به شدت دست و پنجه نرم می‌کند ولی عفت سبب می‌شود که انسان عفیف را هم‌تراز با مقام فرشتگان برشمرده که اجر شهید نیز از آن فراتر نخواهد رفت، آنجا که فرمود:

«مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفًّ، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴): «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود، اجرش بزرگ‌تر از آن کسی نیست که بتواند گناه کند ولی چنین نکند و عفت ورزد؛ چرا که انسان عفیف نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.»

۴. خاستگاه عفت

با مراجعه به متون اصیل روایی، ریشه‌ها و زیرساخت‌های عفت را می‌توان حداقل در سه محور اصلی مورد شناسایی و تحلیل قرار داد که ذیلاً بدان اشاره می‌شود.

۴-۱. عقل

عقل از بزرگ‌ترین مواهب الهی در حق انسان است تا به مدد آن راه صلاح را از مسیر ضلالت امتیاز دهد و به سرمنزل مقصود نائل گردد. عقل یکی از منابع و ابزارهای شناخت دین در کنار قرآن و سنت است. لذا انسان خردمند با استعانت از موهبت عقل، عفت را در نهاد خویش نهادینه می‌سازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ عَقَلَ عَفًّ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «آنکه خرد ورزد، عفیف گردد.»

عقل سبب فرو کاستن از شهوات نفسانی انسان و حرکت او به سوی عفت می‌گردد. آن حضرت می‌فرماید: «إِذَا كَمَلَ الْعَقْلُ نَقَصَتِ الشَّهْوَةُ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۳۱۴/۱): «آنگاه که عقل آدمی، کامل گردد، خواهش‌ها و شهوات وی فرو کاهد» نیز می‌فرماید: «لَا عَقْلَ مَعَ شَهْوَةٍ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۸۳۳/۲): «با داشتن عقل، شهوت در کار نیست.» در بیانی دیگر فرمود: «الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عِفَّةٌ وَ عَنِ الْغَضَبِ نَجْدَةٌ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ ش: ۳۸۲/۸): «خویشتن‌داری از شهوت عفت است و خویشتن‌داری از خشم شجاعت.»

۲-۴. قناعت

دومین ریشه عفاف را باید در قناعت نفس و مناعت طبع پی گرفت. امام علی علیه السلام قناعت را اصل و ریشه عفت می‌داند و چنین می‌فرماید: «وَأَصْلُ الْعَفَافِ الْقَنَاعَةُ وَ تَمَرَّتْهَا قِلَّةُ الْأَحْزَانِ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ ش: ۳۸۲/۸): «ریشه عفت، قناعت است و میوه‌اش کم شدن اندوه‌ها.»

حضرت علی علیه السلام به نقش تعیین کننده قناعت و آثار و برکات آن در پاکی درون و عفت نفس، این گونه اشاره و تأکید می‌نماید: «مَنْ قَنَعَتْ نَفْسُهُ أَعَانَتْهُ عَلَى النَّزَاهَةِ وَ الْعَفَافِ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۶۷۲/۲): «هر که نفسش قانع شد، او را در عفت و پاکی کمک کرد» و در بیانی دیگر، می‌فرماید: «مَنْ اقْتَنَعَ بِالْكَفَافِ أَذَاهُ إِلَى الْعَفَافِ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۶۷۸/۲): «هر کس به آنچه او را بس باشد، بسازد و قناعت کند؛ این کار او را به سوی عفاف بکشاند.»

امام علی علیه السلام همچنین فرمود: «لَيْسَ مَعَ الشَّرِّهِ عَفَافٌ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۵۹۶/۲): «با وجود آزمندی بسیار، عفاف پدیدار نگردد.» آن حضرت در حدیثی دیگر، می‌فرماید: «لَا قَنَاعَةَ مَعَ الشَّرِّهِ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۸۳۳/۲): «با وجود حرص بسیار، هیچ قناعتی در کار نخواهد بود.»

۳-۴. غیرت

غیرت یکی دیگر از زمینه‌ها و بسترهای عفت است. البته غیرت منحصر در مسائل جنسی و حوزه ناموسی نیست بلکه در مسائل دینی و تربیتی فرزندان و حتی در مسائل مالی و امثال آن نیز جریان دارد از امام صادق علیه السلام فرمود: «غیور یکی از اوصاف خداوند است و به سبب همین سبب زشتی‌های درونی و بیرونی را حرام می‌داند.» (نراقی، بی‌تا: ۲۶۵/۱) ارتباط مستقیم و تنگاتنگ میان عفت و غیرت در کلام حضرت علی علیه السلام آشکار است: «قَدْزُرُ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ عَفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «ارزش آدمی به اندازه همت اوست و عفت او نیز به اندازه غیرتش.» نیز می‌فرماید: «دَلِيلُ غَيْرَةِ الرَّجُلِ عَفَّتُهُ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۴۰۱/۱): «راهنمای غیرت مرد، عفت اوست.»

۵. ابعاد و گستره عفت

عفت ابعاد و انواع گوناگونی دارد که حوزه‌های مختلف شخصیت آدمی، اعم از گفتاری، رفتاری و حتی دیداری و شنیداری را شامل می‌شود. رعایت زینت عفاف در تمامی شؤون یادشده می‌تواند گامی در راه اصلاح درون و مبارزه با رذایل اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی انسان، تلقی گردد. ابعاد و انواع گوهر عفاف را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

۵-۱. عفت جنسی (عفت دامن)

غریزه جنسی از سرکش‌ترین غرائز موجود در نهاد آدمی است که چنانچه به طرز صحیح و منطقی مهار و مدیریت نشود، صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. این غریزه را خداوند، از مهم‌ترین مواضع آزمایش‌بندگان قرار داده است.

برخی از مکاتب بشری در برخورد با پدیده غرایز جنسی راه افراط یعنی آزادی جنسی را پیشنهاد داده‌اند گروهی دیگر نیز، راه تفریط یعنی سرکوبی غرایز جنسی را در پیش گرفته‌اند.

ولی آیین اسلام، راه اعتدال را در پیش گرفته است، به گونه‌ای که آن را بخشی از ساختمان فطرت آدمی می‌داند و برای مهار و مدیریت صحیح آن راهکارهایی ارائه می‌کند.

یکی از مهم‌ترین این راهکارها و گام‌برداشتن در مسیر عفت دامن، پیشنهاد ازدواج و تشکیل خانواده است که آن را برابر با دستیابی به نیمی از سهم دین وی دانسته است. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت ازدواج فرموده است: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي نِصْفِهِ الْآخِرِ» (پابنده، ۱۳۷۸: ۵۶)، «هر کس ازدواج نماید به درستی که نیمی از دین خود را به دست آورده است، پس باید با رعایت تقوا در به دست آوردن نصف دیگر آن بکوشد.» لذا به کسانی که به هر دلیلی شرایط و امکانات مادی و معنوی ازدواج برای آنان فراهم نیست، رعایت عفت و خویشتن‌داری را توصیه می‌کند «وَلَيْسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (النور/۳۳). پیشنهاد این عفت منحصر به دوران مجرد ناشی از عدم ازدواج برای جوانان نیست. امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز در باره اطلاق این دامها می‌فرماید: «الشَّهَوَاتُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۹۹/۱): «شهوات‌ها دام‌های شیطان‌اند».

نیز هشدار می‌دهد: «إِيَّاكُمْ وَ غَلَبَةَ الشَّهَوَاتِ عَلَى قُلُوبِكُمْ فَإِنَّ بِدَايَتَهَا مَلَكَةٌ وَ نَهَايَتَهَا هَلَكَةٌ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۱۶۰/۱): «بر شما باد، به دوری کردن از اینکه شهوات در دل‌های شما رخنه افکنند؛ زیرا که ابتدای آن بندگی کردن و آخر آن، هلاکت و تباهی است.»

در باره عدم رعایت عفت جنسی امام باقر علیه السلام در ضمن نصایح خویش به یکی از اصحاب خویش به نام نجم می‌فرماید: «ای نجم! همه شما در بهشت با ما هستید، ولی چقدر زشت است که کسی از شما در حالتی که پرده شرم را کنار زده و زشتی‌هایش آشکار شده باشد، داخل بهشت شود. نجم گفت: آیا واقعاً همه ما اهل بهشتیم؟ فرمود: آری، مگر اینکه شکم و فرج خود را حفظ نکنید.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸)

خداوند افراد عفیف را دوست می‌دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْمُتَعَفِّفَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸): «به راستی که خداوند دوست‌دار هر فرد باحیا و پاکدامنی است.»

در مورد تأثیر عفاف، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَفُّوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸): «نسبت به زنان مردم عفت ورزید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.»

۵-۲. عفت شکم (عفت در خورد و خوراک)

یکی دیگر از انواع غرائز آدمی، غریزه خوردن و آشامیدن است که از دقت در مورد آن به عفت شکم تعبیر می‌شود.

در قرآن، ضمن اشاره این که انواع مواهب آسمانی و زمینی، را در اختیار انسان قرار داده، از ضرورت رعایت الگوی مصرف و پرهیز از اسراف یاد می‌کند و چنین دستور می‌دهد: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (الاعراف/۳۱).

قرآن کریم در آیات و تعابیر دیگری از ضرورت رعایت عفت در شکم یاد کرده و از مفاهیمی همچون لقمه حلال، رزق پروردگار، غذای حلال پاکیزه، به عنوان مصادیق عفت در خوردنی‌ها نام می‌برد: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا...» (النحل/۱۱۴)؛

المائدة/۸۸؛ «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا...» (الأنفال/۶۹)؛ «كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ...» (سبأ/۱۵)؛ «كُلُوا وَارْزُقُوا أَنْعَامَكُمْ...» (طه/۵۴).

دسته‌ای دیگر از آیات، انواعی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را یاد می‌کند که ریشه گوهر عفاف را در آدمی می‌خشکاند، جنس لقمه‌های حرام و شبهه‌ناک نمونه‌های آن در نصوص و حیانی چنین است:

* مال مردم خوری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ...» (النساء/۲۹)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در میان خود اموال‌تان را به ناحق مخورید مگر اینکه به وسیله دادوستد و یا رضایت طرفین باشد...»
* خوردن مال یتیم: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (النساء/۱۰)، «آن کسانی که ظالمانه و بیرحمانه اموال یتیمان را می‌خورند، جز این نیست که در شکم خود آتش فروخورند و به‌زودی در آتش درآیند.»

* رباخواری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۳۰)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا مخورید، در حالی که چند برابر سرمایه است و از خدا بترسید تا که رستگار شوید.»
* امام علی علیه السلام در تعبیری دقیق و کوتاه، شکم را دشمن انسان می‌داند: «بَطْنُ الْمَرْءِ عَدُوُّهُ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۱/۳۴۳): «شکم انسان، دشمن اوست.»

* آن حضرت در تعبیر دیگری، لقمه حرام را بدترین نوع طعام می‌شناساند: «يُسَرُّ الطَّعَامُ الْحَرَامَ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۱/۳۴۳). حضرتش ضمن نصایح خود به فرماندار خویش عثمان بن حنیف بر پرهیز شدید وی از لقمه‌های شبهه‌ناک این چنین تأکید می‌ورزد: «فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهُ» (نهج البلاغه، نامه ۴۵)، «آنچه از غذاها را که حلال بودنش برای روشن و قطعی نبود، از دهان بیرون انداز.»

* البته رعایت عفت شکم باعث پیدایش و گسترش فرهنگ سلامتی و طبعاً جامعه سالم خواهد شد. امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «قَلَّةُ الْأَكْلِ تَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَغْلَالِ الْجِسْمِ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۵۳۷/۲): «کم‌خوری جلوی بسیاری از بیماری‌های جسمی را می‌گیرد.»

۵-۳. عفت در نگاه (عفت چشم)

در مکتب اسلام، نگاه کردن چشم به محیط پیرامونی خود نیز تابع احکام، دستورات و شرایط ویژه و در عین حال منحصر به فردی است که "عفت چشم" نام دارد.

قرآن کریم همه افراد جامعه ایمانی یعنی هم مردان و هم زنان را به‌طور مساوی به رعایت عفت در نگاه‌های غرض‌آلود دستور داده و آن را مقدمه مهار شهوات جنسی و عفت دامن همگانی دانسته است.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (النور/۳۱-۳۰).

تقدیم مردان بر زنان در رعایت و کنترل چشم در مفاد این آیه می‌رساند که ابتدا باید مردان عفت پیشه کنند و از نگاه‌های آلوده و غیرمجاز پرهیز کنند، هرچند صراحت آیه هر دو گروه مردان و زنان مؤمن را به‌طور مساوی به رعایت عفت در نگاه‌ها دستور داده است.

در روایات اسلامی نیز بر اهمیت کنترل نگاه‌ها و ضرورت عفت چشم بسیار تأکید شده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث خویش، نگاه غرض‌آلود به نامحرم را تیر آلوده شیطان می‌داند: «النَّظَرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ» (نراقی، بی‌تا: ۱۸/۲)، «نظر انداختن، تیر زهرآلودی است از تیرهای شیطان؛ پس هر که خود را از بیم خدای تعالی از آن

نگاه دارد، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.» آن حضرت همچنین در حدیث دیگری، آسیب چشم چرانی را متذکر شده و آن را زنای چشم داشته است: «برای هر عضوی از اعضا آدمی بهره‌ای از زناست، چشم‌ها نیز زنا می‌کنند و زنای آن‌ها نگریستن است.» (نراقی، بی‌تا، ۱۸/۲)

۴-۵. عفت در بیان و کلام (عفت زبان)

یکی دیگر از ابعاد عفت را باید در موضوع عفت زبانی و گفتاری کلام جستجو نمود.

زبان ابزار سخن گفتن و رابطه برقرار کردن در میان مردم است و نسبت به سایر اعضا و جوارح بدن، موقعیت و امتیاز فوق‌العاده‌ای دارد. همین برای آن قائل به لزوم عفت در کلام و رعایت ادب می‌شوند. غیبت، تهمت، افتراء، دروغ، عیب‌جویی، مسخره کردن، دادن القاب زشت و... از جمله آزارها و آفات زبان هستند.

در این باره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با تعبیر و شیوه‌های گوناگونی از لزوم رعایت عفت در بیان و کلام سخن گفته‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث خود از ضرورت مهار زبان یاد کرده است: «إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۷). «بیش‌ترین حجم اشتباهات انسان در زبان اوست.» امام صادق علیه‌السلام نیز درباره لزوم مراقبت از زبان در راستای عفت سخن چنین می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِللِّسَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۷۱). «بر انسان عاقل واجب است که به زمان خویش آگاه باشد، به شأن و ارزش خود روی آورد و زبان خویش را حفاظت نماید.»

در برخی دیگر از احادیث، از ضرورت تفکر و ارزیابی قبل از سخن گفتن به عنوان ابزار کنترل زبان و نیز حرکت در جاده عفت کلام یاد کرده‌اند. حضرت

علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «(شخصیت) آدمی در زیر زبانش نهفته است، پس کلام خود را بسنج و آن را بر عمق و دانش خود عرضه کن، اگر آن کلام برای خدا و در راه خدا بود آن را بگو؛ و اگر غیر از این بود، سکوت کردن از سخن گفتن بهتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۵/۷۲) به مقایسه فرد عاقل با احمق در هنگام سخن گفتن پرداخته، چنین می‌فرماید: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰)، «زبان عاقل، در پشت قلب او جای دارد و قلب احمق، پشت زبان اوست.» یعنی اینکه انسان عاقل اول سخن را می‌سنجد و بعد آن را می‌گوید، اما فرد احمق پس از گفتن، سخن را می‌سنجد و می‌بیند که بدحرفی زده است.

برخی دیگر از احادیث، از سکوت پسندیده به عنوان راهکار عملی در تحقق عفت سخن یاد کرده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «مَنْ حُسِنَ إِسْلَامُ الْمَرْءِ تَزَكَّاهُ مَا لَا يَغْنِيهِ» (ورام ابن فراس، ۱۳۷۸ ش: ۲۰۸/۱)، «از جمله نشانه‌های برجسته مسلمان بودن آدمی، ترک سخنان بیهوده و نامربوط است.» ایشان در حدیثی دیگر، آفت پرحرفی را چنین توصیف می‌نماید: «هر کس سخنش زیاد شد لغزش‌های وی نیز زیاد می‌گردد و هر کس که لغزشش زیاد شد، گناهانش افزون می‌شود و آن‌که گناهانش افزون شد، آتش بر او سزاوارتر است.» (شبر، ۱۳۷۴ ش: ۲۴۹/۲)

فحاشی نیز آفت زبان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره چنین افرادی می‌فرماید: «خداوند؛ فحش‌دهندگان بد دهن و فریادکنندگان در بازار را دوست نمی‌دارد.» (شبر، ۱۳۷۴ ش: ۲۵۵/۲)، همچنان که در حدیث دیگری می‌فرماید: «داخل شدن در بهشت به هر انسان ناسزاگو و فحش‌دهنده حرام است.» (شبر، ۱۳۷۴ ش: ۲۵۶/۲)

۶. نتایج مقاله

مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای مقاله حاضر را می‌توان در موارد ذیل تبیین نمود:

۱- عفت به عنوان بنیادی ترین فضیلت اخلاقی در فرهنگ و معارف اسلامی از منزلت ویژه ای برخوردار است به گونه ای که همواره به عنوان نماد بارز اهل ایمان، سرچشمه فضائل و کمالات انسانی معرفی شده است.

۲- برخی مفهوم دقیق، وسیع و جامع واژه عفت و تعفف را به درستی درک و نکرده و عمدتاً به نوعی آن را با مفهوم حجاب بانوان خلط نموده اند.

۳- منشأ عفت را باید در سه مؤلفه اساسی: عقلانیت، قناعت و غیرت، یافت. فرد مؤمن با تمسک و توسل بدانها تعفف می ورزد، غلبه شهوات و نفسانیات بر عقل را مانع می شود.

۴- عفت دارای ابعاد و گستره وسیعی در حیات مادی و معنوی انسان های مسلمان است، به گونه ای که شمول آن در قلمرو عفت دامن، عفت در خورد و خوراک، عفت در نگاه و نیز عفت در بیان و گفتار، شاهد گویایی بر این مدعاست.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه، ۱۳۸۰ش، ترجمه محمد دشتی، بوشهر، نشر موعود اسلام.

۱. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸ش، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه و شرح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.

۳. احسان بخش، صادق، ۱۳۷۱ش، آثارالصادقین، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه رشت.

۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۷۸ش، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات دنیای دانش.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، المفردات فی غریب القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی.

۶. شبّر، سید عبدالله، ۱۳۷۴ش، الأخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، انتشارات هجرت.

۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، **العین**، قم، انتشارات هجرت.
۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت، دارالأضواء.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷ش، **میزان الحکمة**، قم، دارالحديث.
۱۱. مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۳ش، **درس‌هایی از اخلاق**، ترجمه: حسین استاد ولی، تهران، انتشارات الهادی.
۱۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹ش، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. نراقی، محمد مهدی، بی تا، **جامع السعادات**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۵. ورام ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۳۷۸ش، **مجموعه ورام**، قم، انتشارات مکتبه الفقیه.